قصه زندگی آدم‌ها

صفحه آدم‌ها جایی برای قصه گفتن است. می خواهیم در این صفحه هفته نامه آتیه نو، قصه آدم‌ها را برای شما بگوییم. آدم‌هایی که همیشه پیرامون ما هستند. آدم‌های معمولی که مثل ما در کارشان موفق می شوند، شکست می خورند، می برند و می بازند. آدم‌هایی که مثل ما گریه می کنند، می خندند، شادند و گاهی غمگین! آنهایی که مثل ما عاشق می شوند و برای زندگی می جنگند. قصه آدم‌هایی که ما باشیم در این صفحه نگارش می شود. شما هم اگر کسی در اطرافتان می شناسید که قصه زندگی اش شنیدنی است به ایمیل heydarian.javad61@gmail.com پیام دهید و بگویید تا قصه او را بنویسیم.

بررسی معضلات بیکاری و آسیب‌های اجتماعی پای میز قاضی

«کار» در دادگاه

قاضی از پشت میز کارش تکان نمی خورد. با هوش و مسلط است. به هر ارباب رجوعی پاسخ قاطع و بی واسطه می دهد اگر ابهامی داشته باشد دوباره پرسش می کند و با پرسش های پشت سر هم اطلاعات بیشتری از فرد مرجوع می گیرد.

● جواد حیدریان ●
روزنامه‌نگار

مجتمع قضایی شهید مفتح در بالادست کانون اصلاح و تربیت تهران، محل کار قاضی تیموری است. برای رسیدن به دفتر قاضی باید مسیری طولانی را پیاده رفت. آفتاب بعد از بارش زمستانی می‌درخشد، صاف و بی حباب. دو نوجوان از در کانون اصلاح و تربیت بیرون می‌زنند. چشم‌های خود را تنگ کرده‌اند، آفتاب با آن شدت بارش به چشم‌های آنها تابیده است. آرام و بی‌صدا به سمت جنوب می‌روند. آن‌ها از کانون دور می‌شوند. ابری بر مجتمع شهید مفتح سایه می‌افکند. دو مرد دیگر از در کانون خارج می‌شوند. یکی از آن‌ها خطاب به راننده تاکسی صدا می‌زند: شهر زیبا، شهر زیبا...

میز کار هیبت چشمگیری به اتاق قاضی تیموری داده. فضای اتاق آدم را یاد فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی می‌اندازد. سه ردیف صندلی ۹تایی روبروی جایگاه است. کسی روی صندلی‌ها نیست. اتاق خلوت و در سالن باز است. صدای کوتاه رادیو سکوت اتاق را شکسته است. پنجره باز و نور اریب، که به گلدان‌های چیده‌شده می‌تابد، جلای دیگری به اتاق می‌بخشد. آفتاب آمد دلیل آفتاب. نور ظهر بعد از بارش نصفه‌نیمه باران، از پنجره می‌ریزد روی میز و پرونده‌های حجیم روی میز را برجسته‌تر می‌کند. انگار پرونده‌ها قطورتر از آنچه هستند، به نظر می‌رسند. قاضی تیموری پشت میز کارش آرام نشسته است. موبایل هوشمندی در کنارش است و شال سبزی گردن‌آویز اوست و او را از دیگر افراد جمع متمایز می‌کند. ارباب‌رجوع‌ها می‌آیند و می‌روند. قاضی تیموری لباس روحانیت بر تن دارد. فردی دقیق و محاسبه‌گر است. کسی یک دقیقه تاخیر داشته است، به او اخطار می‌دهد. اغلب کسانی که به دفتر کار قاضی تیموری می‌آیند افرادی هستند که گرهی در اشتغالشان ایجاد شده یا به نحوی دعوی آن‌ها دعوی شغل است. وکیل جوانی می‌ایستد و رو به قاضی می‌گوید: «موکل من خانم م.ک. می‌خواهد از همسرش جدا شود چون بیکار است و...» قاضی از وکیل می‌خواهد که طرح مسئله را دقیق و بدون اضافه‌گویی انجام دهد. وکیل دست‌پاچه می‌شود و انگار خواسته باشد شیطنتی بکند و پرونده را مطلوب خود جلو ببرد از قاضی عذر می‌خواهد. قاضی دقیق و نکته‌سنج است. مرد جوانی با کتابچه سنگین حقوقی در گوشه سالن دادگاه نشسته است. دائم بعد از خلوت شدن دادگاه از قاضی تیموری سوالاتی در مورد موجر و مستاجر می‌پرسد. حالا که اتاق خلوت شده از قاضی می‌پرسد: «وقتی دو نفر در مالی شریک هستند، برای مثال خانه‌ای مشاع دارند، و یکی از مالکان در خانه سکنی دارد و دیگری می‌خواهد مال خود را بفروشد، آیا می‌تواند مالک و شریک دیگر را از خانه بیرون بیندازد و اندازه ملک خود را بفروشد؟» قاضی پرسش را با پرسش‌هایی که برای دانشجوی حقوق به وجود می‌آورد می‌شکافد. توضیحاتی که مرد جوان را وادار می‌کند دائم به مواد قانونی مراجعه کند.

■■■

مرد جوان دیگری وارد می‌شود. دسته‌چکی از او به سرقت رفته و چندین چک بی‌محل کشیده شده و تاجر جوان را به دادگاه کشانده است. رو به قاضی می‌گوید: «مغازه را دزد زده و دست‌چک را برده است. به تعداد برگ‌هایش چک بی‌محل صادر کرده اما امضای آن مال من نیست و...» قاضی چندین پرسش از وی می‌پرسد و او را وادار به توضیح بیشتر می‌کند. قاضی رو می‌کند به دیگر ارباب‌رجوع‌ها انگار درسی برای آن‌ها داشته باشد، می‌گوید: «باید مراقب بود و در محل کار دسته‌چک را در جای امنی نگه داشت. اینکه دست چکی از شما سرقت شود و چک بی‌محل صادر شود، می‌تواند چند نفر را قربانی کند.» به نظر می‌رسد منظور قاضی تیموری این است که مسئولیت سهل‌انگاری هر اقدامی با خود ماست. مشاغل مختلف مسائل متعددی دارند و این مشکلات فراوانی را پدید می‌آورد. قانون در این مورد می‌گوید: «صادر کننده چک یا ذی‌نفع یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت‌درامانت یا جرائم دیگری تحصیل شده، می‌تواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. شخصی که دستور عدم پرداخت را به بانک می‌دهد باید بعد از اعلام به بانک، شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم کند و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت را به بانک بیاورد، در غیر این صورت پس از پایان یک هفته بانک از محل موجودی حساب به تقاضای هر کس که چک را ارائه دهد وجه آن را پرداخت می‌کند.»

کار قاضی حساس و بسیار اثرگذار است. به قول حاج‌آقا تیموری، اگر خطایی رخ دهد جبرانش سخت است بنابراین قاضی خود در معرض انواع حساسیت‌هاست، و در میان این همه حساسیت، تنها با اقتدار و استحکام نفس می‌تواند سرنوشت پرونده‌ای را مشخص کند. به قول قاضی تیموری، شغل قضاوت امر سهل و ممتنعی است که می‌توان ساده آن را اجرا کرد و گاهی چنان سخت است که نزدیک شدن به آن کار هر کسی نیست. بنابراین باید با در نظر گرفتن رضایت خداوند و اجرای دقیق قانون به کالبدشکافی پرونده‌ها رفت. پرونده‌هایی که متن جامعه را در برابر ما می‌گشاید.

قاضی تیموری از پشت میز کارش تکان نمی‌خورد. با هوش و مسلط است. به هر ارباب‌رجوعی پاسخ قاطع و بی‌واسطه می‌دهد. اگر ابهامی داشته باشد دوباره پرسش می‌کند و با پرسش‌های پشت سر هم اطلاعات بیشتری از فرد مرجوع می‌گیرد. زن میانسالی وارد اتاق قاضی می‌شود. مشکلات ناشی از کار و بی‌اطلاعی از حقوق و قانون سبب شده همه دارایی‌اش را از دست بدهد و حالا دعوی کرده است که بتواند بخشی از حقوق و زندگی ازدست‌رفته‌اش را به دست آورد. قاضی تیموری می‌گوید: «بیشترین مرجوعان این دادگاه مشکلات کاری دارند. کارگرانی که از حقوق خود بازمانده‌اند، کارفرمایانی که درگیر مشکلات شده‌اند و انواع تبعات حقوقی مرتبط با کار. تبعات اجتماعی پیرامون مشکلات کار بزرگ‌ترین بزه‌کاری‌ها را دامن می‌زند و کار به فراتر از بزه می‌رسد. مطلقا کار با بحران‌های اجتماعی درگیر است. اگر بتوانیم حتی یک نفر را از طریق رسانه‌ها با مشکلات و تبعات این دست مشکلات آشنا کنیم و آن‌ها را از فرو رفتن در مسائل مشکل‌آفرین دیگر که به خانواده و اجتماع مربوط می‌شود بازداریم خدمت بزرگی به خدا و خلق کرده‌ایم.»

■■■

باور قاضی این است که بیکاری تبعات فراوانی دارد. شاید محیط‌های دادگاه بیش از هر جایی نشان‌دهنده بحران‌های ناشی از بیکاری باشد. جامعه برای پیشرفت نیاز به ایجاد بسترهای شغلی دارد. شغل بیشتر و بهتر کیفیت زندگی مردم را بالاتر می‌برد و از آن طرف شیب معضلات اجتماعی را کم می‌کند. رابطه مستقیم بین بازار کار و ازدیاد و کاهش فساد اجتماعی و اخلاقی رابطه‌ای همیشگی است. مطالعات اجتماعی نیز بر این ادعا مهر تایید زده است که «طی چند سال اخیر بیکاری به‌عنوان یک معضل گریبان‌گیر اکثر جوانان این کشور شده و علاوه بر بالا رفتن سطح بی‌نشاطی جوانان باعث بزهکاری در میان آن‌ها نیز شده است.»

قاضی مطالعات گسترده‌ای در این حوزه دارد. چنانچه پژوهشگران نیز به این باور رسیده‌اند و مطالعات آن‌ها این مسئله را نشان می‌دهد: «شواهد حاکی از آن است که ارتباط بین تغییرات در نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در طول زمان و طی چرخه اقتصادی و بسته به کشور یا مناطق تحت مطالعه متفاوت بوده است.» ارتباط مسائل مختلف اجتماعی به همدیگر سبب شده کار قضاوت سخت‌تر باشد. «هزینه‌های اقتصادی بیکاری در ایران به‌عنوان یک چالش بزرگ اقتصادی تا حد زیادی شفاف و آشکار و قابل‌محاسبه است اما نتایج غیراقتصادی یا معنوی معمولا مخفی است و به‌راحتی نیز قابل‌محاسبه نیست. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیکاری مهم‌ترین عامل فقر در ایران است. حدود ۶۰ درصد از خودکشی‌ها در ایران به طور مستقیم با مسئله بیکاری در ارتباط است. فقدان فرصت شغلی مناسب برای قشر تحصیل کرده و نخبگان جامعه ایران موجب بروز معضل فرار مغزها شده است و برآورد می‌شود که سالانه تعداد زیادی از متخصصان و تحصیل کرده‌های ایران کشور خود را ترک می‌کنند.»

در میان اظهارات قاضی، که بعد از اذان ظهر خطاب به مراجعان مطرح می‌شود، درس‌های مهمی دارد. قاضی تیموری به‌دقت حوادث را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد دقت نظر و هوشمندی این قاضی در تشخیص و عدالت توانسته از او چهره و شخصیتی در شان امر خطیر قضاوت بسازد. کار سخت و حساس قضاوت بی‌شک چهره‌هایی شاخص چون او را می‌طلبد، چراکه اجتماع سالم به باور قاضی تیموری نیازمند چشم‌های بینا و گوش‌های شنواست. مردم برای اینکه در محیط‌های بدون استرس زندگی کنند نیازمند توسعه همه‌جانبه هستند و قضاوت و دادگاه مرحله پایانی همه این اتفاقات است.

نگاه

> باور قاضی این است که بیکاری تبعات فراوانی دارد. شاید محیط‌های دادگاه بیش از هر جایی نشان‌دهنده بحران‌های ناشی از بیکاری باشد. جامعه برای پیشرفت نیاز به ایجاد بسترهای شغلی دارد. شغل بیشتر و بهتر کیفیت زندگی مردم را بالاتر می‌برد و از آن طرف شیب معضلات اجتماعی را کم می‌کند. رابطه مستقیم بین بازار کار و ازدیاد و کاهش فساد اجتماعی و اخلاقی رابطه‌ای همیشگی است. اجتماع سالم به باور قاضی تیموری نیازمند چشم‌های بینا و گوش‌های شنواست.

گزارشی از مشاغل عجیب در ایران

گریه‌کن‌ها و خط‌نگهدارها چقدر درآمد دارند؟!

استفاده از راهی که رهروان آن کم هستند، در عین حال که هیجان‌انگیز است، می‌تواند درآمدزایی خوبی هم داشته باشد. بی‌شک افراد خلاق افراد موفقی هستند و می‌توانند به گونه‌ای فکر یا کار کنند که هیچ‌گاه به ذهن عموم نمی‌رسد. دلیل موفقیت آن‌ها هم دقیقا در همین نکته است: کاری که انجامش به ذهن هر کسی نمی‌رسد. کارهای عجیب‌وغریب قطعا می‌تواند درآمد خوبی داشته باشد، اما اغلب نیاز به خلاقیت، سعی و کوشش و تمایل به خطر کردن دارد. ما در شماره قبل هفته‌نامه آتیه نو به معرفی چند شغل جالب و عجیب که در ایران طرفداران خودشان را دارند پرداختیم. مشاغلی چون دادزن، عروسک‌تن‌پوش‌هایی که دم در بسیاری از رستوران‌ها و اماکن تفریحی می‌بینیم و ... . با ما همراه شوید تا بقیه این مشاغل را به شما معرفی کنیم.

■ گریه‌کن

با توسعه شهرنشینی و وجود ترافیک و در حاشیه قرار گرفتن قبرستان‌ها، دیگر مراسم تشییع جنازه یا حتی برگزاری مراسم ختم، هفتم و چهلم مثل سابق با حضور فامیل‌های چند دست دورتر امکان‌پذیر نیست و ممکن است سالن‌های عزاداری خلوت‌تر از گذشته باشد. اما برخی افراد سنتی همچنان علاقه‌مندند که در مراسم آن‌ها جمعیت قابل توجه و پرشوری حضور داشته باشند. برای پاسخگویی به این نیاز موسسات خاصی وجود دارند که توانایی این را دارند که مراسم عزا و تشییع را پرسوزوگداز برگزار کنند؛ به نحوی که اطرافیان با خود بگویند فرد متوفی چقدر شناخته‌شده و محبوب بوده است. افراد حاضر در صحنه در این گونه مجالس دو دسته‌اند؛ دسته‌ای که مثل سیاهی لشکرها فقط محیط را پر می‌کنند و دسته‌ای دیگر هم گریه‌کن‌ها و شلوغ‌کن‌ها هستند. برگزاری چنین مجلسی از حدود یک میلیون تومان تا هرقدر که صاحب‌عزا مایل باشد و بپردازد، جگرخراش‌تر می‌شود.

■ نوبت‌گیرها

نوبت‌گیرها در کار خریدوفروش زمان هستند. آن‌ها از زمان خود می‌زنند، از وقت استراحت خود می‌زنند، صبح علی‌الطلوع نوبت می‌گیرند و نوبت گرفته‌شده اول را به افرادی که مشغله دارند و نمی‌توانند ساعت‌ها در صف بایستند می‌فروشند. درواقع کار آن‌ها خریدوفروش زمان است. نوبت‌گیرها در بانک‌ها حضور دارند و برای اینکه شما یک ساعت در صف نایستید نوبت خود را به شما می‌فروشند و در ازای فروش آن ۵ تا ۱۰ هزار تومان دریافت می‌کنند. این افراد را در صف‌های طویل سبد کالا هم می‌شد دید. بهمن‌ماه که می‌شود در صف بلیت جشنواره می‌ایستند. یا نوبت خود را به شما می‌فروشند یا بلیتی را که خریده‌اند به چند برابر قیمت به کسی که فرصت ایستادن در صف یا نوبت را ندارد می‌فروشند. نوبت‌گیرها در زمان برگزاری داربی بزرگ پایتخت هم فعال می‌شوند. هم فوتبال می‌بینند و هم کسب درآمد می‌کنند. هم فیلم می‌بینند و هم کسب درآمد می‌کنند. هستند افرادی که اگر کاری هم نداشته باشند در خانه نمی‌مانند و برای کسب درآمد هر کاری می‌کنند. هر چیزی را می‌فروشند حتی زمان را.

■ خط‌نگهدار تاکسی

کارش این است که مسافران را برای سوار شدن به تاکسی هدایت می‌کند. از نظر مسافران این کار مزاحمتی ایجاد نمی‌کند و حتی باعث رعایت کردن صف هم می‌شود. راننده‌های خطی هم از این موضوع راضی هستند. اما سوال اینجاست که چه چیزی نصیب این فرد می‌شود. این‌ها در ازای کاری که انجام می‌دهند از راننده‌های خطی و مسافران مبلغی مطالبه نمی‌کنند، بلکه منبع درآمد آن‌ها راننده‌های غیرخطی هستند. یعنی افرادی که مسافر بر تاکسی یا شخصی دارند اما در خط خاصی کار نمی‌کنند. این افراد اگر بخواهند در خطی مسافر سوار کنند باید حق‌حساب خط‌نگهدار تاکسی را بدهند. عمدتا سر صبح و سر شب به دلیل ترافیکی که وجود دارد تاکسی‌های خطی نمی‌توانند به‌موقع به مبدا برگردند و دوباره مسافر سوار کنند. این است که صف‌های طویل مسافر شکل می‌گیرد و کار این افراد سکه می‌شود.

منبع: اقتصاد آنلاین

انصاف قضا

● پیاده‌رو ●
آرزو غلامی

برخی مشاغل ماهیت پرتنشی دارند؛ مشاغل درگیر با سیستم دادگستری مثال مناسبی است. چه وکیل و قاضی، چه بازرسان و ضابطین قضایی و کارمندان. این گونه مشاغل روح و فکر افراد را درگیر می‌کنند و به نوعی در زندگی خصوصی آنان تاثیرگذارند. این را می‌توان از رفتار نسبتا مشابه شاغلان این دست مناصب و مشاغل استنباط کرد.

یک قاضی دادگستری در ایران روزانه به طور میانگین ۸ تا ۱۰ پرونده را رسیدگی و تعیین تکلیف می‌کند. به عبارت دیگر درباره ۸ تا ۱۰ مورد مشکل زندگی مردم، که برای حل آن راه‌حلی پیدا نکرده‌اند. قضاوت می‌کند. بدون تردید کار دشواری است و به‌تنهایی ورود به موضوعات با ماهیت قهر و دعوا، روح انسان را آزرده می‌کند. کارمندان شاغل در مراجع قضایی نیز در طول روز با افراد بسیاری مواجه می‌شوند که بعضا خشمگین، مال‌باخته، رنجور و آسیب‌دیده هستند و مسلم است در بلندمدت برخورد با این قشر جامعه، کارمندان شاغل در سیستم قضایی را خسته و در بسیاری موارد منفعل می‌کند.

اگرچه در این مورد تغییر ساختار اداری مراجع قضایی تا حد قابل‌توجهی می‌تواند موثر باشد و محیط کاری کم‌تنش‌تری را ایجاد کند، اما در بسیاری موارد دوری از تنش کاری در دادگستری برای کارمندان این حوزه اجتناب‌ناپذیر است. به طور مثال از تمامی اقشار جامعه در میان مراجعه کنندگان وجود دارد؛ چه فردی با تحصیلات عالی و موقعیت اجتماعی مطلوب که از کارمندان دادگستری انتظار احترام و توجه دارد و چه افرادی که از ساختار بعضا پیچیده قانونی بی‌اطلاع هستند و توان و یا اراده معرفی وکیل را نیز ندارند. با توجه به اینکه حجم گسترده شکایت‌ها در کشور بیش از ظرفیت سیستم قضا، تعداد قضات و کارمندان دادگستری است، دور از انتظار نیست که تنش‌های کاری در شعب دادگستری برای افراد با روحیات متفاوت پیش بیاید. این گونه مشاغل از یک طرف زیر نگاه ریزبین جامعه هستند و معیار عدل و انصاف محسوب می‌شوند، از طرف دیگر این مشاغل با حساسیت بالایی که در ذات خود دارند نیاز به محیط کاری آرام و مناسبی دارند.

همچنین تعداد مراجعات به دادگاه‌ها بسیار زیاد است، در حالی که بسیاری از اختلافات و دعواها در اغلب موارد با مراقبت‌های قراردادی و میانجی‌گری محلی قابل‌حل و فصل هستند، اما کار به جاهای باریک می‌رسد. یکی از مشکلات جدی کارمندان و قضات در دادگستری‌ها بی‌اطلاعی مراجعه کنندگان از روند دادرسی و قوانین است. درنتیجه تشریح وضعیت قانونی در پرونده‌های مختلف برای مردم عادی که مناسبات قانونی را نمی‌شناسند عملا از سوی کارکنان امکان‌پذیر نیست گرچه واحدهای معاضدت و مشاوره نیز نمی‌توانند با راهنمایی‌های خود در بخش مربوط به ثبت پرونده‌ها در حد توان خودبه مردم کمک می‌کنند.

به همین دلیل نیاز به حضور وکلا در مراجع قضایی به‌شدت احساس می‌شود، اما در این مورد نیز مشکل پرداخت دستمزد وکلا مطرح می‌شود که از توان بسیاری خارج است و در برخی موارد مراجعه کنندگان ترجیح می‌دهند پرونده را خودشان پیگیری کنند. با وجود جمیع مسائل و محدودیت‌های ذکرشده و ساختار کلی مشاغل قضایی به نظر می‌رسد آن قشر از جامعه که در این مناصب مشغول به کارند نیاز به حمایت بیشتری دارند تا ضمن ارتقای توان و فراهم شدن بسترهای لازم برای قضاوت درست و عادلانه در پرونده‌های قضایی رضایتمندی شغل آنان نیز تا حد امکان فراهم شود. زیرا میزان رضایتمندی شغلی کارکنان دستگاه قضایی موجب رضایت مراجعه کنندگان و نگاه مثبت به این اشتباه است.